جمال شورجه (فیلم‌ساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلم‌ساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلم‌ساز) | شهریار بحرانی (فیلم‌ساز) | پرویز شیخ طادی (فیلم‌ساز) | داود میرباقری (فیلم‌ساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلم‌ساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلم‌ساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلم‌ساز) | شهید آوینی (فیلم‌ساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

نگاهی به فیلم «قاتل تمام‌عیار»

ترس‌های فانتزی به بهانه هالووین

فاطمه قاسم‌آبادی

با شـــروع فصل پاییز، به‌خاطر نزدیکی مراسمی مانند هالووین، اکران فیلم‌های ترسناک و جنایی در کشورهای غربی و به‌خصوص در آمریکا، رونق می‌گیرد.

این فیلم‌ها که طیف‌بندی متنوعی دارند، از داستان‌های سطحی و تکراری و قتل و خونریزی گرفتـــه، تا القای ترس‌های عمیق بر ذهن مخاطبینش، متفاوت اســـت. البته برای مخاطبین، مهم‌ترین مسئله ترسیدن و به نوعی پناه بردن به دنیای تیره و ترسناک این فیلم‌ها است که از طریق آن بتوانند، از مشکلات و دغدغه‌های دنیای واقعی و فشارهایش برای مدت کوتاهی رها بشوند.

امسال هم مانند سال‌های گذشته با شروع فصل پاییز، سینماها و شبکه‌های اینترنتی دست به کار شدند و فیلم‌های متنوعی را در ژانر وحشت و با تم هالووین، به مخاطبین خود عرضه کردند.

فیلم «قاتل تمام‌عیار» به کارگردانی «نهناتچکا خان» محصول سال ۲۰۲۳ شبکه اینترنتی آمازون است. این فیلم در ژانر جنایی و معمایی و برای مخاطبین نوجوان ساخته شده است.

داستان قاتل زنجیره‌ای

داستان فیلم «قاتل تمام‌عیار»، در مورد دختری به نام «جیمی» است که در شهری زندگی می‌کند که در آن ۳۵ سال پیش، یک قاتل بی‌رحم، سه دختر ۱۶ ساله را با فاصله چند روز، به قتل رسانده است و چون همه این دختران در جشن تولد ۱۶ سالگی خود و نزدیک هالووین کشته شده‌اند، این قاتل لقب «قاتل ۱۶سالگی شیرین» را گرفته است.

حالا جیمی که دختری ۱۷ ســـاله است بعد از قتل فجیع مادرش در شب هالووین، خیلی اتفاقی و به کمک دســـتگاه زمان دوســـتش، به سال ۸۷ میلادی که قتل‌ها در آن اتفاق افتاد، برمی‌گردد و تصمیم می‌گیرد سرنوشـــت را عوض کند و مانع کشـــته شدن آن دخترها و در نهایت مادرش شود.

او ابتدا فکر می‌کند این کار بسیار راحت است ولی در ادامه مشکلات بسیار زیادی روبه‌رویش قرار می‌گیرد و باعث می‌شود که نتواند آن‌طور که برنامه‌ریزی کرده است، نقشه‌اش را عملی کند...

تقلید از انیمه‌های ژاپنی

فیلم «قاتل تمام‌عیار»، داســـتان کلی‌اش را از روی انیمه سریالی موفق و پرمخاطب ژاپنی به نام «شهری که تنها من در آن گم شدم» با نام کوتاه انگلیسی «پاک‌شده» کپی کرده است.

البته نویســـنده مثلا خواســـته کمی ذوق به خرج دهد و سال اتفاقات را یک سال عقب‌تر می‌برد، این‌طور که در انیمه، قتل‌ها در ســـال ۸۸ میلادی اتفاق می‌افتد و در این فیلم ســـال ۸۷ انتخاب شده است!

در ادامه هم قهرمان داستان که پسری جوان است را در این فیلم به یک دختر نوجوان تغییر داده‌اند و جالب است که داستان اصلی و روند کلی اتفاقات، دقیقا به همان شکل جلو می‌رود و حتی قتل مادر شخصیت اصلی که نقطه عطف ماجرا هست هم اتفاق می‌افتد ولی چیزی که به‌شـــدت ذوق مخاطبین را کور می‌کند، داستان نتراشیده و شخصیت‌پردازی‌های زمخت این فیلم است که به هیچ وجه نمی‌توانند نگاه انسانی و شخصیت‌های قابل همذات‌پنداری انیمه سریالی را تکرار کنند.

در فیلم «قاتل تمام‌عیار»، به رسم یک‌سری هالیوودی بازی‌ها، قتل‌ها مانند اتفاقی بامزه و سرگرم‌کننده به تصویر کشیده می‌شوند و ردپای طنز تهوع‌آوری که نسبت به قتل، در کارهای کارگردانانی مانند «کوئنتین تارانتینو»، «مارتین اسکورسیزی» و... در سینما باب شد، به شکل سطح پایین‌تر، دیده می‌شود.

نکته قابل‌توجه دیگر این مطلب است که وقتی جیمی به ۳۵ سال پیش برمی‌گردد، تنها با گفتن این مطلب که «من دانش‌آموز انتقالی از کانادا هستم و به‌زودی فرم انتقالی‌ام را برای‌تان فکس می‌کنند»، وارد دبیرســـتان و کلاس درس می‌شـــود و کسی هم از او در مورد والدینش و اینکه مدارک شناسایی‌اش کجاست، چیزی نمی‌پرسد! منطق داستانی فیلم در همین حد، بی‌سروته و مزخرف است و در ادامه هم در یک پایان‌بندی دم‌دستی، آدم‌بدها به سزای اعمال‌شان می‌رسند و با کمی تغییر آینده، جیمی به خانه‌اش برمی‌گردد.

در دنیای «قاتل تمام‌عیار»، هیچ نژادپرســـتی آن هم در دهه ۸۰ میلادی در آمریکا علیه سیاه‌پوستان وجود ندارد و نوجوانان سیاه‌پوست، به‌راحتی با سفیدپوستان در ارتباط هستند و به یک مدرسه می‌روند و با هم دوست هستند! اگر از نظر تاریخی هم به مسئله نگاه کنیم بعد از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی که جنبش‌های سیاه‌پوستان به‌شدت علیه بی‌عدالتی مبارزه کردند و رهبران‌شان با بی‌رحمی کشته شدند، نمی‌شود درست یک دهه بعد، همه‌چیز تا این حد ایده‌آل شده باشد و روایت‌های هالیوودی از این دست، تماماً دروغ محض است.

نوجوانان و اهداف بلندمدت

بیش از دو دهه‌ای می‌شـــود که نوجوانان هم مانند جوانان و بقیه رده‌های ســـنی، به‌شدت مورد توجه برنامه‌ســـازان غربی قرار گرفته‌اند و تولیـــد محتوایی که مورد توجه نوجوانان قرار بگیرد، بسیار مهم شده است.

این رده ســـنی که به‌شـــدت می‌تواند از طریق رســـانه تحت تاثیر قرار بگیرد، اتفاقا برای برنامه‌ســـازان موجوداتی حیاتی هم محسوب می‌شـــوند، چرا که به‌خاطر داشتن وقت آزادتر می‌تواننـــد بارها به ســـینما برونـــد و فیلم مورد علاقه خـــود را ببینند و مهم‌تـــر از آن برای فیلم و ســـریال مورد علاقه خود، با ســـاختن پیج‌های طرفداری در فضای مجازی، به رایگان تبلیغ کنند.

به‌خاطر تمام این مزایا، نوجوانان و ساخت برنامه برای آنها به نوعی سرمایه‌گذاری مطمئن و طولانی‌مدت محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان هالیوودی سال‌هاست که از این معادن طلایی مراقبت می‌کنند و ساخت فیلم و سریال برای رده سنی نوجوانان را در اولویت قرار داده‌اند.

فیلم «قاتل تمام‌عیار» هم با توجه به قهرمانان نوجوان خود قرار بود بتواند این قشر را پای داســـتان خود بنشاند ولی به‌خاطر نقاط ضعف بسیار زیاد نتوانست حتی با توجه به مناسبتی بودن فیلم هم در رسیدن به هدف خود موفق عمل کند.

سرهم‌بندی شده

در فیلم «قاتل تمام‌عیار»، همه‌چیز از جمله داستان، فیلمنامه، شخصیت‌پردازی‌ها و بازی بازیگران، سطح پایینی دارد و عجیب نیست که نظر مخاطبین نسبت به این فیلم اصلا مثبت نبود و نمرات کمی به آن در سایت‌های مخصوص فیلم اختصاص پیدا کرد.

در «قاتل تمام‌عیار»، مخاطبین به هیچ وجه جذب داســـتان و معمای قاتل ناشناس ماجرا نمی‌شوند و به‌خاطر تم کمدی فیلم هم عملاً ترسی در کار نیست و در یک کلام «قاتل تمام‌عیار» تنها عنوان یک فیلم مناسبتی برای هالووین را یدک می‌کشد.

و در انتهای ماجرا هم نویســـنده با قرار دادن یک برادر همجنس‌گرا و دختربچه‌ای که به فرزندی قبول کرده برای جیمی، قاب زندگی مدرن آمریکایی در فیلم را کامل می‌کند.

تمام این نکات باعث می‌شـــود که فیلم قاتل تمام‌عیار، تبدیل به فیلمی مناسبتی شود که نتوانست مخاطب خود را پای روایت درجه دو خود بنشاند.

تکرار ادبیات صلیبی به سبک فیلم Z

سعید مستغاثی

در فیلم Z ساخته کاستا گاوراس، رهبر یک حزب سیاسی (ایو مونتان) در جریان میتینگی با ضربات یک مهاجم به سرش که توسط دیکتاتوری سرهنگان یونان اجیر شده، به قتل می‌رسد و بازپرسی (ژان لویی ترنتینان) وارد ماجرا شده تا حقیقت را کشف کند.

از همیـــن روی همه مقامات را به بازجویی فرامی خواند؛ از رئیس پلیس تا دادستان و تا فرماندار و...

اما اتفاقی که می‌افتد، روایت همه این افراد درباره عمل فرد مهاجم و فرارش از صحنه کاملا شبیه بوده و همه آنها با یک جمله تمام می‌شود که:

«... پرید عقب یک وانت، مثل یک ببر، ســـریع و خشمگین....»

همین جمله تکراری اســـت کـــه بازپرس را به شک انداخته و باعث می‌شود تا به پشت پرده قضیه پی ببرد.

حالا چند روزی است که پس از گذشت حدود ۲۰ ســـال غوغاهای جرج دبلیو بوش، مجددا کلمه «محور شرارت» یا Axel Evil به نحو گل درشتی از زبان برخی سران غرب تکرار می‌شود؛

اول وزیر دفاع اســـرائیل، بعد در دیدار نخست‌وزیر انگلیس و نتانیاهو، بعد در کنگره آمریکا و بعد....

این کلمه که از دوران جنگ‌های صلیبی به جای مانده و از عبارات اصلی ادبیات صلیبی به شمار می‌آید، بعد از چندین قرن توســـط رونالد ریگان در دهه ۸۰ میلادی به کار رفت که کشورهای کوبا و ایران و سوریه و کره شمالی و... را محور شرارت خواند.

البته حدود ۷۰ سال پیش از او وقتی ژنرال آلنبی (فرمانده نیروهای بریتانیا در خاورمیانه) فلســـطین را اشغال کرد و بالای ســـر قبر صلاح‌الدین ایوبی (یکی از فرماندهای سپاه اســـلام در آخرین جنگ صلیبی) رســـید، شمشـــیرش را روی آن قبر کوبید و پس از ۸ قرن فریاد زد:

«... اینک جنگ‌های صلیبی به پایان رسید...»!

اهمیت جنگ‌های صلیبی برای غرب از آن جهت است که این جنگ‌ها سنگین‌ترین داغ تاریخی بر دل غرب صلیبی/صهیونی به شمار رفته و همچنان پس از ۱۰ قرن باقی است، چنان‌که وقتی جرج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۳ می‌خواست دستور حمله به عراق را صادر کند، در سخنرانی‌اش تصریح کرد:

«... مـــا بر آســـتانه جنگ صلیبـــی جدیدی قرار گرفته‌ایم...»

صدها فیلم و سریال از اوایل شکل‌گیری هالیوود و از دوران سینمای صامت درباره این جنگ‌ها ساخته شد و شکست‌های غرب صلیبی در آنها را پیروزی نمایش دادند و بسیاری از شخصیت‌های جنگ‌های فوق (که به اعتراف خودشان جنایات بسیاری مرتکب شده بودند) در این فیلم‌ها و سریال‌ها، دلاور و فداکار نمایانده شدند؛ همچون رابین هود، ریچارد شیردل، سه تفنگدار، شاه آرتور، شوالیه‌ها و کاملوت و...

ادبیـــات صلیبی در کتاب‌ها و نمایشـــات و حتی لباس و پوشـــش غرب نیز رسوخ کرد، کتاب خاطرات تونی بلر (نخســـت‌وزیر انگلیس در دوران جرج بوش و همراه و همپای او در اشـــغال عراق و افغانستان) مملو از این ادبیات بود.

آنها برای بســـیاری از وقایع خود از همین ادبیات استفاده می‌کنند، جنگ‌های مهم را «Fight» یا «War» یا «Battle» نمی‌خوانند بلکه «Crusade» به معنی جنگ صلیبی می‌گویند. اطلاق کلمه «انکار» Deny به مخالفت با هولوکاســـت (انکار هلوکاست) نیز از همین ادبیات آمده، چنان‌که در دوران قرون وسطی و بیدادگاه‌های انگیزاسیون یا تفتیش عقاید نیز به هرگونه مخالفت با کلیسای صلیبی، کلمه «انکار» اطلاق می‌شد.

مجسمه جایزه اسکار در واقع مجسمه یک شوالیه صلیبی است که به شمشیرش تکیه کرده و به باور برخی جامعه‌شناسان و طراحان هنری، کراوات نیز نشانه همین شمشـــیر شوالیه‌های صلیبی است که بر گردن آدم‌ها بسته شده و می‌شود.

مروری بر عملکرد رسانه‌های معاند در فتنه ۱۴۰۱

جنگ علیه بشریت با Fake News

عزیزالله محمدی (امتدادجو)

باورپذیرکردن اخبار انتشـــار یافتـــه در نزد افکار عمومی، یک موضوع جدی در عالم حرفه‌ای رسانه است. این موضوع، شبکه‌های معاند فارسی زبان ماهواره‌ای را به دلیل ماهیت جعلی که براساس بنیاد فکری و فرهنگی یک کشور دیگر- دارند، همواره دچار چالش می‌کند؛ به همین دلیل آنها به‌طور دائم با استفاده از تکثربخشی به اخبار جعلی و دروغ‌پراکنی، تلاش دارند تا خط فکری خود را آمیخته به یک یا چند بند از یک خبر، درست جلوه دهند و در ذیل آن، افکار و ذهن مخاطب و جامعه هدف را تا حد ممکن ضمن در اختیار گرفتن به سمت و سوی نقطه دلخواه و مطلوب خودشان هدایت کنند.

رفتارهای دوگانه

معنای رفتاری این رسانه‌ها در قرآن کریم به‌طور خاص و ویژه که اختصاص به رفتار منافقین و کفار دارد بیان شده که به صورت آشکار و بدون نیاز به تفسیر و تاویل در سوره بقره آیه ۴۲ می‌فرماید « لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق و انتم تعلمون» و این شیوه‌ای است که رسانه‌های فارسی زبان معاند در پیش گرفته‌اند و همـــواره با ایجاد و تولید اخبار فیک، جعلی و دروغ، تلاش دارند مسیر روشن حق را به سمت تاریکی و شبه افکن هدایت کنند. این شبکه‌ها به صورت آشکار و بدون ممانعت کشورهایی که در آنجا مستقر هستند، هر سه وجه آیه یاد شده سوره بقره را شامل می‌شوند و توامان، هم بر باطل ردای حق می‌پوشـــانند و هم، حق را انکار و کتمان می‌کنند و هم، می‌دانند که این دو عمل را از روی عناد و لجاجت و از روی خیانت انجام می‌دهند.

دقیقا همین چند وقت اخیر بود که آسوشیتد پرس قرارداد «جیمز لاپورتا» خبرنگار تحقیقی خود را که «به نقل از یک منبع اطلاعاتی» مدعی شده بود روسیه به لهستان موشک شلیک کرده اخراج کرد؛ چون ممکن بود این خبر جعلی موجب تشدید جنگ شود؛ اما چگونه است که حجم سنگین خبرهای خشونت‌ساز شبکه‌های فارسی زبان لندن‌نشین و هالیودنشین، به‌ویژه در ایام اخیر جنگ مردم فلسطین و رژیم غاصب صهیونیستی و نیز در ماجراهای آشوب‌های سال گذشته ایران مورد توجه مســـئولین این شبکه‌ها علی‌رغم اثبات موضوع دروغ افکنی و خشـــونت‌پراکنی و علی‌رغم قوانین باز دارنده رسانه خودشان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟

این نحـــوه برخـــورد دوگانه با فیـــک نیوزها در کشورهایی مثل انگلســـتان و آمریکا که بستر بیشتر این شـــبکه‌ها در آنجـــا قرار دارد اصـــل اصالت رفتار حرفه‌ای رســـانه‌ای را با چالش روبه‌رو کرده و خود نیز دچار تناقض‌گویی‌های مکرر شده‌اند؛ اما با ملاحظات سیاسی و غرض‌ورزی‌هایی که دارند از اهداف تعیین‌شده شبکه‌ای خود در این ایام که متمرکز بر دامن زدن به خشـــونت‌ها و همین طور جانبداری از صهیونیست‌ها است نمی‌توانند غافل شوند.

ابزار رسانه

رهبر انقلاب اســـلامی درســـال ۹۷ با اشـــاره به ابزاررســـانه فرمودند: «دشـــمن از ابزار رسانه استفاده می‌کند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجه کنید به ابزار رسانه، ابزار مهم است واگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است» و در ادامه ایشان با اشاره به اثرگذاری جنگ رسانه‌ای، این اثرگذاری را به مثابه سلاح شیمیایی معرفی می‌کنند که در پس استفاده دشمن از این سلاح، قطعا تلفات نیروی انسانی- با تاثیر بر افکارعمومی- برای ما حاصل خواهد شد.

دقیقا Fake news

بر اساس گزارش‌های موجود و رسمی ارائه شده، فقط در ۲۵ روز اول اغتشاشـــات ســـال گذشته که از اواخر شهریور شـــروع شد؛ پنج رسانه و شبکه فارسی زبان ماهواره‌ای [بی بی‌ســـی، وابسته به دولت انگلیس - ایران اینترنشنال، وابسته به دولت سعودی- صدای آمریکا و رادیو فردا، وابســـته به دولت آمریکا- من‌وتو، وابسته به جریان بهائیت و صفحات مجازی آنها] بیش از ۲۷۰۰۰خبـــر دروغ و جعلی یا همان Fake news را درخصوص حوادث داخل ایران منتشـــر کردند که در این اثنا هر کدام نیز با ولع تمام تلاش داشـــت تا گوی سبقت را با انتشار اخبار جعلی بیشتر از دیگری برباید.

ســـال ۲۰۱۷ بود که کتاب مرجـــع Collins کلمه Fake news را به عنوان کلمه سال اعلام کرد و تاکنون نیز این کلمه ترکیبی مصطلح، جزء کلمات پرکاربرد و شاخص خود را حفظ کرده است. کالینز در توجیه این انتخاب توضیح داده است که کلمه Fake news در سال ۲۰۱۷ حضوری فراگیر داشـــته و بسیار به کار گرفته می‌شود. این دیکشـــنری در تعریف Fake news به دو نکته کلیدی اشاره می‌کند: نخست این که فیک نیوز از جنس اطلاعات نادرســـت است و دیگر اینکه شکل ظاهری آن شبیه خبرهای درست و واقعی است.

عصر اطلاعات، عصر عدم اعتماد

در عصر دانش و تکنولوژی و فن‌آوری و ارتباطات و ماهواره، گرچه آسایشی بر جامعه بشری از لحاظ رفع برخی موارد مورد نیاز حاصل شده است؛ اما گسترش نیاز سیری ناپذیر انسان به کسب اطلاعات او را به سمتی هدایت کرده است که با ولع تمام می‌خواهد مخاطبِ هر نوع رســـانه و هر گونه شبکه‌ای که امکان دسترسی به آن وجود دارد باشـــد. حرص و ولع به ثروت و قدرت و امراض و اغراض سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، عواملی هستند که در این عصر تبادل و انفجار اطلاعات موجبات تولید محتوای رسانه‌ای را فراهم می‌کنند و در این میان، برنده آن رسانه‌ای است که بتواند به هر طریق ممکن مخاطب را در اختیار داشته باشد.

فتح، تسخیر یا مسخ مخاطب؟

تا پیش از ظهور گوشـــی‌های هوشمند و فضای مجازی و شـــبکه‌های اجتماعی، در تقابل فرهنگی و رسانه‌ای، چند شبکه فارسی ماهواره‌ای بودند که آنچنان نیز جدی گرفته نمی‌شـــدند؛ اما بعد از مدتی تقابل به شکل عینی‌تری نمایان شد و در نهایت تعبیر به جنگ رســـانه‌ای و ماهواره‌ای شد که قطعا در موضوع جنگ به مفاهیمی از جمله فتح و شکست نیز باید اندیشید.

نگارنده این ســـطور در خصوص این نوع جنگ بر این باور است که در آن ایام، نوع تقابل یکی از طرفین، در نهایت منجربه فتح و تسخیر جغرافیای فکری طرف دیگر می‌شـــد؛ اما با گسترش فضای اینترنتی این نوع پیروزی نیز نمی‌تواند اهداف مورد نظر طراحی شـــده صاحبان قدرت و ثروت و شهرت را تحقق بخشد، بلکه جامعه هدف و مخاطبینشان باید مسخ شوند و به طور کامل در اختیار رسانه‌های آنها قرار بگیرند.

برای رسیدن به این مرحله و برای عملیاتی کردن این شیوه مسخ کردن مخاطب، علاوه‌بر فضای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی و مضاف بر شبکه‌های ماهواره‌ای؛ تولید محتوای متناسب با ذائقه جامعه مورد نیاز است که آغـــاز این مرحله برای ایـــران را می‌توان در کلام رهبری-که در اوایل دهه هفتاد تعابیر تهاجم فرهنگی و بعدها شـــبیخون فرهنگی و بعدها ناتوی فرهنگی را به‌کار گرفتند- جست‌وجو کرد.

شبکه‌های ماهواره‌ای طی سال‌های متوالی شاید قریب به سی ســـال با جذابیت‌های بصری و با تنوع بخشـــی به محتویات تولید شـــده بنا به نیاز گروه‌ها و طیف‌هـــای اجتماعی گام در تغییـــر ذائقه جامعه گذاشتند و نیازهای غیر ضرور فکری و معنوی و مادی و فردی و اجتماعی ایجاد کردند تا به امروزی برسند که با جرات و جسارت و صراحت بگویند نیاز جامعه چیز دیگری است و جامعه دچار به تغییر ذائقه نیز به راحتی آن را بپذیرد.

کنترل مسخ‌شدگان

بعـــد از طی فرآیند تغییر ذائقه حالا دقیقا وقتش است؛ وقت بهره‌برداری ازآن گروه‌ها و هدایت طیف‌های دچار تغییر در ذائقه. وقت اصابت تیر رســـانه به قلب ســـیبل‌گونه جامعه‌ای که نباید قدرت درک واقعیت و حقیقت را داشته باشد. وقت کنترل مسخ‌شدگانی که باید همانند جوکر و داعش رفتار کنند؛ اما چگونه؟

ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین روش ممکن و راه‌حل این عملیات، دروغ است؛ به این معنی که باید گفتـــار و رفتار را درهـــم آمیخت و مرز و حدودی برای تحلیل موضوعات و برای شـــعور و درک و فهم مخاطب باقی نگذاشـــت و آنها نیز به‌خوبـــی دریافتند که تنها مسیر رسیدن به این مرحله برهم زدن توازن و خطوط جداکننده راست از دروغ است. شیوه‌های دروغ گفتن هم متفاوت و فریبنده و حتی می‌تواند برای این رسانه‌ها غیر تکراری و حتی با اعتماد به‌نفس بالا و ایجاد جذابیت‌های بصری باشـــد. آنها دارای تئوری در این زمینه هستند که به‌صورت عملی و با صراحت و جدیت به خودشـــان می‌گویند: «آن‌قدر دروغ بگو و آن‌قدر راست را تقطیع کن و یا وارونه جلوه بده تا قدرت تشخیص و تمیز دادن راست از دروغ برای مخاطب مسخ شده و تغیر ذائقه پیدا کرده از بین برود و بشود همان کسی که تو دوست داری.»

همه آنها با یک شـــیوه، یعنی دروغ و جعل اخبار مقاصد خود را پیش می‌برند که گاه دروغ، مســـتقیم است و گاه وارونه جلوه دادن و یا به‌صورت عبور از یک خبر و یا بزرگ‌نمایی، یا تقطیع و بریده گوی کردن و از این قبیل تکنیک‌ها که جمع آنها در مجموع می‌شود Fake news که این موضوع را به شـــدت در رسانه‌های همسو با جریان صهیونیست این روزها شاهد هستیم.

مج‌گیری دستان رو شده

مطابق پیمایش‌های صورت گرفته شبکه اینترنشنال ۲۰ درصد، من و تو ۱۷ درصد، بی‌بی‌سی ۱۴ و صدای آمریکا و رادیو فردا نیز هر کدام با حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد بیشترین سهم را برای ایجاد خبرهای جعلی در جهت دامن زدن روز افزون به اغتشاشات به دست آوردند.

این شبکه‌ها برای القاء دروغ‌های خود از هر ترفند و تکنیک و از هر ابزار لازم به ویژه ابزار انســـانی از نوع سلبریتی و چهره‌های شاخص بیشترین بهره را می‌برند. اســـتفاده از ابزاری به نام سلبریتی، هم بار روانی و هم بـــار اجتماعی قابل توجهی به همـــراه دارد. نگاهی به صفحات مجازی اکثریت بـــه اصطلاح هنرمندان و یا ورزشـــکاران مطرح به خوبی گویای این مطلب است که این اشـــخاص با توجه به عادت و حرص زیادی که برای دیده شدن دارند خود را صاحب نظر در همه امور می‌دانند و به‌طور کلی دیدگاهی کاملا از بالا به پایین به مردم عـــادی دارند که گویی فقط اینها قدرت فهم مسائل اجتماعی و سیاسی را دارند و دیگران از هرگونه توانای ساقط و بی‌بهره هستند.

رسانه‌های اصلی و روش پروپاگاندا

در این مسیر، رسانه‌های جریان اصلی،با خط‌دهی به رسانه‌های فارسی زبان، القاء خط و ایجاد هدف مضاعف می‌کنند و با پروپاگاندای رسانه‌ای و اجتماعی در جهان سعی دارند بر باور مردم تاثیر بیشتری بگذارند تا مسخ اذهان در جوامع هدف که عمدتا قشر جوان و نوجوان هستند بیشتر صورت بگیرد.

با این روش پروپاگاندا، به قول «حســـن رحیم‌پور ازغدی»: «ماهواره‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی دروغ را به جـــای حقیقت و حقیقـــت را دروغ، جا می‌زنند و جمهوری اسلامی هر روز ساعت ۴ بعدازظهر در ماهواره و شبکه‌های اجتماعی ســـقوط می‌کند؛ اما ۹۷درصد بازداشتی‌ها گریه می‌کنند تا آزاد شوند!»

با این توضیحات می‌توان گفت: مجیدرضا رهنورد (قاتل دو جوان بسیجی در مشهد) اگر خیال نمی‌کرد که کارِ نظام تمام اســـت و دستگیری و محاکمه‌ای در کار نیست، آیا باز هم آن‌طور بی‌رحمانه دو جوانِ بی‌گناه رو سلّاخی می‌کرد؟»

پایان سخن

بـــا این توصیفات، به‌طور ملموس و عینی می‌توان فهمید که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با توسل به اخبار جعلی و دروغ(Fake news) به شـــدت علاوه بر فتنه‌ســـازی تلاش مضاعف بر استمرار فتنه‌ها دارند و تکلیف برای همه در مقابل این شبکه‌ها و اخبار تولیدی آنها کاملا مشخص و معین است.

خداونـــد جل جلاله در قرآن کریم فرموده اســـت فرموده است: «الفتنه اشد من القتل» یعنی فتنه‌انگیزی از قتل خطرناک‌تر و سنگین‌تراست.

محرمانه‌ای از

پرونده‌های واقعی در دوران کرونا

رسول شمالی‌ورزنده

مجموعه «محرمانه» کاری در فضای علمی با حال و هوای روزهای اوج شـــیوع وســـیع بیماری کووید۱۹ (بیماری کرونا) در ایران است. روزهای پرالتهاب و سخت این بیماری مهلک و کشنده که با توجه به تحریم‌های ظالمانه دشمنان انقلاب اسلامی به‌خصوص آمریکا در تحریم دارویی و پزشـــکی کشورمان رقم خورد، عده‌ای دانشـــمند جوان و باتجربه و نیز نخبه دانشگاهی ایران اقدام به ساخت واکسن کرونا می‌کنند. این مجموعه در واقع داستان واقعی پرونده‌های دانشمندان ایرانی است که با همه مشـــکلات و نبود تجهیزات و امکانات لازم دست به کار بزرگی می‌زنند و برای تولید واکسن بیماری کرونا به ســـفرهای تحقیقاتی به برخی از کشـــورهای آفریقایی و منطقه می‌روند و در این مســـیر با تهدیدها و توطئه‌های دشمن مواجه می‌شوند. در این جهت هم شاهد شـــهادت یکی از نخبگان و استاد علوم پزشکی کشـــور که جعفر دهقان ایفاگر نقش اوست در ابتدای مجموعه «محرمانه» هستیم.

«محرمانه» سراغ پرونده‌های واقعی و بکر بیماری کرونا و در واقع پرونده‌های کارشکنی‌هایی که از سوی عوامل دشـــمنان انقلاب اســـلامی در داخل کشـــور و دشـــمنان خارجی برای تولید واکسن کرونا ایجاد شد رفت و ســـعی کرد از مســـائل پشت‌پرده قصه کرونا در ایران دســـت به افشـــاگری بزند. بـــرای همین منظور لوکیشن‌های «محرمانه» فراتر از مرزهای ایران، برخی از کشورهای اروپایی، آفریقایی و کشورهای منطقه را شامل می‌شـــود تا واقعیت‌های تحریم دارویی و پزشکی و نیز مظلومیت کادر درمان و پزشکی و همچنین مظلومیت و سختی مردم نیازمند کشورمان در آن روزهای سخت به واکســـن کرونا را به نمایش بگذارد. در قسمت‌های ابتدائی مجموعه «محرمانه» نخبگان پزشکی کشورمان برای ساخت واکسن بیماری کرونا سخت در تلاشند و قصد دارنـــد که با تحقیقات و آزمایش‌های لازم هرچه سریع‌تر برای تولید واکسن ایرانی کرونا اقدام کنند که در این مســـیر برخی از عناصر نفوذی و جاسوس‌های سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی صهیونیستی و آمریکایی سعی دارند که با فریب پروفســـورهای ایرانی و به دام انداختن آنها، پزشکان نخبه کشورمان را که به مرحله مهم تولید واکســـن کرونا رسیده‌اند را از مسیر منحرف کنند. محمود معظمی کارگردان مجموعه «محرمانه» در این مجموعه با نگاهی فراتر از یک مجموعه تلویزیونی سرگرم‌کننده سعی دارد که ضمن ارائه یک ژانر امنیتی- اطلاعاتی از یک واقعه، به نمایش تلاش‌های ایثارگرانه پزشـــکان، نخبگان پزشکی و کادر درمانی در آن دوره حساس از شیوع بیماری کرونا در ایران بپردازد.

یکـــی از نکات قابـــل تأمل مجموعـــه تلویزیونی «محرمانه» شـــاید آن موضوع امنیتی- اطلاعاتی قصه کرونا در ایران باشـــد که به احتمـــال زیاد خیلی‌ها از موضوعات پشت‌پرده خیانت و جنایت برخی از عوامل نفوذی در میان نخبگان پزشـــکی و درمان و بهداشت کشـــور و نیز برخی از مســـئولان عالی‌رتبه آن مقطع بی‌اطلاع هســـتند. به نظر می‌آید که هرچقدر از پخش مجموعه «محرمانه» می‌گذرد واقعیت‌های بیشتری از پرونده محرمانه کرونا دســـت پیدا می‌کنند. باید اذعان کنیم که «محرمانه» در میان مجموعه‌هایی که تاکنون با موضوع بیماری کرونا در رســـانه ملی تولید و پخش شـــده است شاید جذاب‌ترین و برجسته‌ترین مجموعه در این ژانر اســـت، چراکه بسیار متفاوت‌تر و کلیدی‌تر بـــه موضوع شـــیوع بیماری کرونا، نخبگان پزشـــکی، عناصر نفوذی دشمن در به انحراف کشیدن تلاش‌های پزشکان نخبه کشور و کادر درمانی و دانشگاه‌های علوم پزشـــکی کشور پرداخته است و در واقع قالب جدیدی را در مجموعه «محرمانه» شـــاهد هســـتیم که برای نخســـتین‌بار در تلویزیون اتفاق افتاده است و آن اینکه این‌بـــار کارگردان و تهیه‌کننـــده این مجموعه در کنار پرداختن به اصل موضوع درمان و پزشـــکی و بیماری کرونـــا، یک ویژگی خاصی را به ایـــن مجموعه اضافه کردنـــد و آن نگاه امنیتی- اطلاعاتی به موضوع و قصه این مجموعه است. این نگاه در حقیقت باعث شده که سازندگان مجموعه‌های تلویزیونی در کنار پرداختن به موضوع داستان به واقعیت‌هایی نیز توجه داشته باشند که هم برای مخاطب می‌تواند جذاب و دیدنی باشـــد و هم فضای مجموعه را به‌عنوان یک مجموعه تاثیرگذار در سطح جهانی قابل عرضه کند. یقینا مردم مسلمان و آزاده دنیا هم که به‌دنبال کشـــف حقایق و مسائل پشت‌پرده تحریم‌های ظالمانه دشمنان انقلاب اسلامی به‌ویژه در رابطه با کارشکنی‌های دشمن در جلوگیری از ساخت واکسن ایرانی کرونا که توسط دانشمندان ایرانی انجام شده هستند که این افشاگری توسط مجموعه تلویزیونی «محرمانه» اتفاق افتاده است.

«محرمانـــه» در قســـمت‌های بعدی و تـــا پایان حرف‌های ناگفته فراوانی دارد که خیلی از فرآیندهای سهل‌انگاری، کم‌کاری‌ها و خیانت‌های برخی از مسئولان رده‌بالای وقت کشور در دوران اوج شیوع بیماری کرونا در کشور را افشا خواهد کرد.